



امام رضا سلام الله و صلواته عليه:

ان بسم الله الرحمن الرحيم اقرب الى اسم الله الاعظم من سواد العين الى بياضها

بسم الله الرحمن الرحيم، به اسم اعظم خداوند

نزدیکتر از سیاهی چشم به سفیدی اش است. عیون اخبار الرضا ج ۱

اصلاحیه‌ی

پیش‌نویس سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه

(مصوب کمیسیون خاص مجمع تشخیص مصلحت)

و

ادله‌ی اصلاحیه؛

در مقایسه نگاه برون‌محور به اقتصاد

با اقتصاد درون‌زا (اقتصاد مقاومتی)



۱- رشد اقتصادی شتابان و پایدار بگونه ای که حداقل، متوسط رشد سالانه ۸٪ در طول برنامه

محقق شود.

باید توجه داشت در نگاه برون محور به اقتصاد، رشد اقتصادی، وابسته به رشد تولید ناخالص ملی است؛ اما تولید به معنای مستقل و بخشی که برخی تصور می‌کنند، نیست بلکه باید در GNP، نسبت بین تولید ملی و وضع تولید در خارج از کشور و در اصطکاک با آن ملاحظه شود. یعنی هنگامی که کل کشور ایران بمثابه یک کارخانه و واحد تولیدی لحاظ شود، در مقابل آن واحدهای تولیدی دیگری بنام تولید منطقه و تولید بین الملل نیز وجود دارد و رشد اقتصادی زمانی محقق می‌شود که این نسبت بین درون و بیرون در تولید مورد توجه قرار گیرد.

اما اگر تولید در این نسبت قرار داده نشده و به صورت مستقل ملاحظه گردد، بازار داخل از محصولات ارزان‌تر خارجی مملو خواهد شد و با پدیده‌ی قاچاق توسط عموم مردم مواجه خواهیم گشت که مبارزه با قاچاق در این سطح از گستردگی امکان ندارد. همان‌طور که کالاهای تولید شده هم باید بازار داخل را اشباع کند و هم قابلیت صادرات به دیگر کشورها را داشته باشد اما گرانی قیمت تمام شده‌ی کالاهای داخلی، راه ورود آنها را به بازارهای خارجی مسدود کرده است. به عبارت دیگر زمانی رشد تولید ناخالص ملی افزایش خواهد یافت که کالاهای تولید شده در داخل هم توانایی اشباع بازار داخلی را داشته باشد و هم از طریق توانایی رقابت با کالاهای مشابه در بازارهای خارجی، قابلیت صادرات را به دست آورد تا از فروش این کالاها، ثروت ملی توسعه بیابد.

از سوی دیگر برای افزایش سطح کیفی تولید و رقابت‌پذیر کردن آن، سرمایه‌گذاری‌های بزرگی لازم است که سرمایه‌های داخلی، کفاف تأمین آن را نمی‌دهد و لذا برای دستیابی به رشد تولید ناخالص ملی، سرمایه‌گذاری خارجی بر اساس تکنولوژی برتر در جهت ارزش افزوده ضرورت می‌یابد و همچنین برای طرح‌های داخلی به فاینانس نیازمندیم. این در حالی است که سرمایه‌گذاری‌های لازم برای این مهم، وابسته به کشورهای دارای تکنولوژی‌های برتر است که نظام مقدس جمهوری اسلامی از نظر سیاسی با آنها درگیر است! بنابراین این بند با بندهای مربوط به سرمایه‌گذاری و سیاست خارجی کاملاً مرتبط است و اساساً تمامی بندها در یکدیگر منعکس می‌گردد و عدم توجه به این ارتباطات و هماهنگی میان آنها، عملاً آنها را به عباراتی انتزاعی و کلی و غیرقابل تحقق تبدیل می‌نماید.

به همین دلیل است که برای رشد تولید ناخالص ملی باید مقوله‌ای مانند تورّم بالا در ایران نیز مورد دقت قرار گیرد؛ زیرا این تورّم و بالابودن نرخ کارگر در ایران، موجب افزایش قیمت تمام شده‌ی کالاهای داخلی و خارج شدن آنها از دور رقابت در بازارهای خارجی می‌گردد. این در حالی است که نرخ بالای کار در کشورهای صنعتی باعث می‌شود تا سرمایه‌گذاری این کشورها در مناطقی انجام شود که نرخ کار ارزان است. حال آیا امکان سرمایه‌گذاری در دیگر کشورها برای نظام جمهوری اسلامی به چه اندازه است؟! یا سیاست‌های مهاجرتی در وزارت کشور که مانع ورود کارگران ارزان (مانند کارگران افغانی) به داخل می‌شود، به چه میزان با سیاست افزایش تولید رقابتی و کاهش قیمت کالاهای داخلی هماهنگ است؟! در واقع اگر صرفه‌ی اقتصادی به صورت متداول ملاک باشد، باید روندهای فوق به دقت مورد مطالعه قرار گیرند.

👉 اما اگر نگاه درون‌زا به اقتصاد مبنا قرار گیرد و دشمنی اقتصادی با نظام جمهوری اسلامی به عنوان یک واقعیت غیر قابل انکار پذیرفته شود، آنگاه رشد تولید ناخالص ملی باید از وابستگی به اقتصاد منطقه و بین‌الملل خارج شود و رشد اقتصادی در شکل متداول آن کنار گذاشته شود. یعنی در وضعیت «جنگ اقتصادی»، تولید ثروت و تحقق ثروت‌زایی برای کشور، نباید به عنوان هدف اصلی دنبال گردد؛ چون راه متداول دستیابی به توسعه‌ی ثروت ملی، پیوند ما با اقتصاد جهانی و ظرفیت‌های اقتصادی بین‌المللی و منطقه‌ای است و این پیوند بدون سرفروآوردن در مقابل زورگویی قطب‌های توسعه‌ی جهانی ممکن نخواهد بود. به عبارت دیگر «حفظ استقلال کشور در عرصه‌ی اقتصادی» - که مبنای ادبیات انقلاب در مواجهه با دشمنی‌های اقتصادی است - از طریق وابستگی و ارتباط عمیق با اقتصاد منطقه و بین‌الملل

محقق نمی‌شود. لذا رشد اقتصادی و تولید ناخالص ملی گر چه با اقتصاد منطقه و بین‌الملل مرتبط است، اما طراحی رشد اقتصادی نباید بر اساس وابستگی به این اقتصادها انجام شود.

بنابراین در وضعیت جنگ اقتصادی، رشد اقتصادی و تولید ثروت به عنوان هدف اصلی دنبال نمی‌شود؛ بلکه «امنیت اقتصادی» به عنوان هدف اصلی پی‌گیری می‌گردد.

اصلاحیه‌ی پیشنهادی:

۱- رشد اقتصادی شتابان و پایدار با رویکرد استقلال اقتصادی بگونه‌ای که اقتصاد کشور از بحران و روزمرگی خارج شود.

۵. افزایش تولید ملی کالا و خدمات متناسب با بازار داخلی، منطقه آسیای جنوب غربی و جهان و

بهبود مستمر تراز تجاری غیرنفتی

۱۷. واریز سالانه حداقل ۳۰٪ از منابع حاصل از صادرات نفت و گاز و میعانات گازی و فرآورده‌های

نفتی به صندوق توسعه ملی و افزایش ۳ واحد درصد به آن و استقلال مدیریت حساب‌های

صندوق توسعه ملی از تکالیف بودجه‌ای

در صورت افزایش تولید، بهبود تراز تجاری غیر نفتی به معنای غلبه‌ی صادرات بر واردات است. اما شرط بهبود مستمر این تراز، «ارزش افزوده‌ی بالا» در صادرات است که از طریق اولویت دادن به تولید صنعتی و صدور کالاهای مبتنی بر «تکنولوژی برتر» قابل تحقق است. به همین دلیل است که توصیه می‌شود با ذخیره‌ی درآمد نفتی، صندوق توسعه‌ی ملی تاسیس شود تا با توانمندسازی بخش خصوصی و ارائه‌ی تسهیلات ارزی به آن، تکنولوژی برتر به کشور وارد شود. اما روشن است که برای دستیابی به تکنولوژی برتر و ورود آن به کشور باید با قطب‌های توسعه‌ی جهانی، روابطی صمیمی برقرار کرد و از مقابله با زورگویی‌ها و اصرار بر استقلال سیاسی دست برداشت.

👉 در مقابل این روند و برای دستیابی به استقلال اقتصادی و تأمین بازار داخلی، «تکنولوژی متوسط» است که باید مبنای تولید در کشور قرار گیرد؛ زیرا اولین گام در نگاه درون‌زا، تأمین استقلال اقتصادی توسط «عموم مردم» است و نه تولید ثروت توسط «بخش خصوصی» در معنای تخصصی آن. گرچه بعد از ثبات در تأمین نیازهای داخلی و در برنامه‌های بعدی، صادرات کالاهای مبتنی بر تکنولوژی متوسط به مستضعفین منطقه جنوب غرب آسیا و سپس آمریکای لاتین نیز دنبال می‌شود. البته این امر به اتخاذ سیاست‌های مرتبط در دیگر بخش‌ها نیازمند است.

اصلاحیه پیشنهادی:

۲- افزایش تولید ملی کالای متوسط و بادوام و خدمات متناسب با تأمین نیازهای بازار داخلی و زمینه‌سازی برای صدور این کالاها به منطقه‌ی جنوب غرب آسیا و آمریکای لاتین در برنامه‌های بعدی

۳. قطع وابستگی هزینه‌های جاری دولت به درآمدهای نفت و گاز تا پایان برنامه با ایجاد تحول

در نظام درآمدی و هزینه‌ای دولت

در نگاه برون محور، «تحول در نظام درآمدی» بوسیله افزایش تولید ناخالص ملی از طریق سیاست‌های بند ۲ صورت می‌گیرد تا مالیات حاصله از ارزش افزوده صنعتی‌شدن تولید، کشاورزی و خدمات، هزینه‌های دولت را تأمین کند و در نتیجه وابستگی هزینه‌های جاری دولت به درآمدهای نفت و گاز قطع شود. به این ترتیب، موانعی که در بند ۲ بیان شد در این بند نیز وجود دارد.

اصلاحیه پیشنهادی:

۳- صرف درآمدهای نفت و گاز برای هزینه‌های استقلال اقتصادی، تغییر استراتژی تکنولوژی و الگوی

تولید جدید

۶. توسعه پیوندهای اقتصادی و تجاری متقابل و شبکه ای کشور و تبدیل شدن به قطب تجاری

و ترانزیتی در چهارچوب بند ۱۰ سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی

۹. مشارکت و بهره‌گیری مناسب از ظرفیت نهادهای عمومی غیردولتی با ایفای نقش ملی و

فراملی آن‌ها در تحقق اقتصاد مقاومتی

در نگاه برون‌محور، نقش اصلی در ایجاد شبکه‌ی اقتصادی یکپارچه در کشور به عهده‌ی بخش خصوصی است. لذا مقصود از «نهادهای عمومی غیر دولتی»، بخش خصوصی است و «ایفای نقش ملی و فراملی» نیز به معنای دستیابی به ارزش افزوده از طریق راه اندازی صنایع با تکنولوژی برتر در داخل و خارج و رقابت با رقبای منطقه‌ای و بین‌المللی است. اما این امر مساوی با تعیین اقتصاد به عنوان هدف جامعه و تبعیت محض از توصیه‌های اقتصاد جهانی و WTO و پذیرش تقسیم کار بین‌المللی است.

👉 در نگاه درون‌زا، بخش دولتی و تعاونی باید پیش‌تاز در ایجاد شبکه‌ی اقتصادی مستقل و درون‌زا قرار گیرند و بخش حاکم بر این شبکه باشند؛ البته در صورتی که الگوی درآمد در بخش دولتی، بر اساس «الگوی درآمد انقلابی» بازسازی شود و انگیزه‌های مکتبی موجود در قرارگاه‌های سازندگی به سمت صنایع مادر سوق داده شود. یعنی بخش‌های اصلی و فرعی که تشکیل‌دهنده‌ی شبکه‌ی اقتصادی کشور خواهند بود باید دقیقاً معین شوند؛ زیرا زمینه‌سازی دولت و نظام اسلامی برای قدرت گرفتن بخش خصوصی و مدیریت سرمایه‌داران بر سرنوشت کشور، بر خلاف احکام حکومتی اسلام است.

بر این اساس، صنایع مادر باید به مدیریت دولتی سپرده شوند اما الگوی درآمدی برای نیروی انسانی شاغل در این بخش، باید مبتنی بر فرهنگ ایثار باشد؛ همان‌طور که این فرهنگ در دفاع مقدس جریان یافت و کارآمدی‌های بزرگی را رقم زد. علاوه بر این و از آنجا که تکنولوژی متوسط مبنای تولید قرار گرفته است، صنایع مادر نیز به تدریج باید از حالت متمرکز و پیچیده خارج شوند تا در «مصارف عمومی» به محصولات ساده‌تر اکتفاء شود و در مقابل، صنایع مادر از قید وابستگی علمی و صنعتی و نیاز به تکنولوژی‌های پیچیده رها گردد. البته شکستن تمرکز در صنایع مادر و پراکنده کردن آن در سطح کشور، فوائد دفاعی و امنیتی فراوانی نیز خواهد داشت و در جنگ‌های احتمالی، دشمن را در تخریب سریع زیرساخت‌های اساسی دچار مشکلات بزرگ و هزینه‌های زیادی خواهد کرد.

بنابراین بخش تعاونی نیز با پرداختن به تکنولوژی‌های متوسط، مسئولیت اشتغال‌زایی در کشور را به عهده می‌گیرد و بخش خصوصی به جای صادرات و واردات کالای مبتنی بر تکنولوژی برتر، متکفل بومی‌سازی تکنولوژی برای تأمین سطح رفاه موجود خواهد بود. ضمن آن‌که ترانزیت نیز باید در خدمت انتقال آسان و ارزان کالاهای مبتنی بر تکنولوژی متوسط قرار گیرد.

البته در «مصارف و نیازهای اقتدار نظام اسلامی و دستگاه سیاسی»، دستیابی به تکنولوژی‌های پیچیده و متمرکز لازم است.

اصلاحیه پیشنهادی:

۴- ایجاد شبکه اقتصادی یکپارچه و مستقل در کشور از طریق:

الف) احیای نقش بخش دولتی در صنایع مادر بر اساس الگوی درآمد انقلابی (اینثارگرانه) در جهت

تامین نیازمندی‌های اساسی اقتصادی نظام

ب) فعال‌سازی بخش تعاونی برای تأمین اشتغال بر اساس تکنولوژی متوسط

ج) ورود بخش خصوصی به عرصه تأمین رفاه عمومی از طریق بومی‌سازی تکنولوژی مرتبط با آن

۸. بهبود مستمر فضای کسب و کار و کسب حداقل جایگاه سوم منطقه با تقویت ساختار رقابتی و رقابت پذیری بازارها با توجه به بندهای ۸، ۱۱، ۲۰ و ۲۳ سیاست‌های کلی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی، بندهای ۱۹ و ۲۳ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و بند ۵ سیاست‌های کلی تشویق سرمایه‌گذاری

نگاه برون‌محور در اقتصاد، تبادل با کشورهای خارجی در نیروی کار و خدمات فنی و مهندسی و سایر توانمندی‌های اقتصاد ملی را ضروری می‌شمارد؛ چه صناعی که در یک کشور بومی شده‌اند و قدرت گرفته‌اند، به دیگر کشورها وارد شده و با سرمایه‌گذاری در آن‌ها، ظرفیت خود را توسعه دهند و چه از طریق

تعامل وزارت‌های کار در کشورهای مختلف، رفت و آمد کارگران و مهندسين تسهيل شود تا نيروی انسانیِ مازاد صادر شود و نيروی انسانی مورد نیاز وارد گردد. بنابراین هنگامی که تولید ملی متناسب با سرعت تولید جهانی به گردش درآید، کسب و کار رونق می‌گیرد و با عمل بر اساس دیدگاه منطقه‌ای و بین‌المللی، توانمندی‌های صنعتی و خدماتی بدست‌آمده و واحدهای تولیدی مرتبط با آن، به دیگر کشورها صادر می‌گردد و همچنین نيروی انسانی داخلی و خارجی به صورت آزاد رفت‌وآمد خواهد داشت و اعطاء مجوز کار به راحتی انجام می‌پذیرد. پس تحقق این بند در نگاه برون‌محور، نیازمند هماهنگی و پیوند سرعت چرخه تولید ملی با سرعت اقتصاد جهانی، صدور کارخانجات و صنایع بومی‌شده در هر کشور به کشورهای هدف و ایجاد ساز و کار برای تبادل نيروی کار با کشورهای خارجی است.

اما با رویکرد استقلال‌محور، باید توانمندی‌های اقتصادی کشور ابتدائاً در تامین نیازهای داخلی بکار گرفته شوند تا تعاونی‌ها بر اساس تکنولوژی متوسط، به تولید رونق دهند و اشتغال ایجاد کنند. وظیفه‌ی بخش دولتی و خصوصی نیز در این روند، در بند قبل معین شد.

اصلاحیه پیشنهادی:

۵- بهبود مستمر فضای کسب و کار با اولویت بخش تعاونی از طریق استفاده از تکنولوژی متوسط، در

جهت تامین نیازهای داخلی

۴. افزایش قدرت خرید مردم (قسمت اول سیاست کلی)

افزایش قدرت خرید مردم در نگاه متداول، وابسته به افزایش تولید ناخالص ملی و توانایی کشور در تولید ثروت ملی است. بنابراین فقدان ارزش افزوده در صادرات ملی به دلیل ناتوانی در تولید کالا در سطح تکنولوژی برتر، ناشی از تفاوت مبنایی اقتصاد مقاومتی با اقتصاد سرمایه‌داری در اصول است. در واقع تعمیم الگوی مصرف غربی با شعار عدالت، موجب عدم توازن بین صادرات و واردات شده و کاهش مداوم ارزش پول ملی را رقم زده است که در این صورت، «افزایش قدرت خرید مردم» ممکن نخواهد بود.

👉 در مقابل باید به جای ارتقاء سطح رفاه، آن را کنترل کرد و کالاهای مبتنی بر تکنولوژی برتر را از مصرف عمومی خارج نمود تا با کاهش انتظارات و تغییر در بافت واردات، تورم در جامعه‌ی ایران تقلیل یابد و کفّهی صادرات نسبت به واردات سنگین‌تر گردد. در این صورت، کاهش مداوم ارزش پول ملی متوقف شده و بالتبع قدرت خرید مردم افزایش خواهد یافت.

اصلاحیه پیشنهادی:

۶- افزایش قدرت خرید مردم از طریق تغییر در بافت واردات بر اساس کنترل رفاه و کاهش وابستگی مصرف عمومی به تکنولوژی برتر

۴. کاهش تورم به تک رقمی (قسمت دوم سیاست کلی)

در اقتصاد جهانی، «تورم بالا» یک پدیده غیر معمول و ناشی از بحران‌های مقطعی در تاریخ است؛ نه وضعیتی همیشگی و پایدار در جامعه! البته تورم کم، امری طبیعی محسوب می‌شود که ناشی از تغییرات در طول زمان است. اما تورم در ایران به وصفی دائمی برای نظام اقتصادی تبدیل شده است؛ زیرا الگوی مصرف طبقاتی که به دلیل اعتقاد به عدالت در نظام جمهوری اسلامی شکسته شده، باعث ناهنجاری در مکانیزم عرضه و تقاضا و فزونی همیشگی تقاضا نسبت به عرضه شده است.

توضیح آن‌که، اقتصاد سرمایه‌داری در شکل متداول خود دچار تورم مداوم نمی‌شود بلکه قیمت‌ها در آن دارای پایداری و ثبات نسبی است؛ زیرا روند «تولید، توزیع و مصرف» بمثابة یک سبک زندگی اقتصادی در جهان شکل گرفته و حاشیه‌ی امنیت برای قیمت‌ها ایجاد کرده است. بله! ممکن است در مواردی ویژه، وضعیتی خاص و بحرانی پیش‌آمده باشد که در این صورت، اقتصاددانان به آسیب‌شناسی موارد خاص پرداخته و به از بین بردن ریشه‌های مشکل اقدام می‌کنند. تورم دیگری که در روند متعارف اقتصاد وجود دارد، تورمی معقول و بسیار کُند است که امری طبیعی محسوب می‌شود و ناشی از تغییرات عرضه و تقاضا یا تحولات تکنولوژی است. بنابراین اگر اقتصاد به نحو صحیح مهندسی شود، تورم به صورتی که در ایران

مشاهده می‌شود، وجود ندارد. پس «تورم در ایران» باید به عنوان یک پدیده‌ی خاص تحلیل شود؛ زیرا تورم به وصفی برای نظام اقتصادی ایران تبدیل شده است. یعنی باید روشن شود چرا دو یا سه وعده جهش قیمت در هر سال (ابتدای فروردین، فصل بازگشایی مدارس، ماه مبارک رمضان و ...) به یک فرهنگ تبدیل شده است؟! به نظر می‌رسد علت تداوم این مشکل، تحلیل آن بر اساس نگاه برون‌گرا به اقتصاد است که واقعیات جامعه‌ی انقلابی ایران در آن، نادیده گرفته می‌شود.

پس باید دقت داشت که کاهش ارزش پول ملی در ایران به یک روند دائم تبدیل شده که علت آن، غلبه‌ی ارزش واردات بر صادرات ملی است. منشأ این ناهنجاری، اعتقاد به شعار «عدالت» در نظام جمهوری اسلامی است که باعث شده «الگوی مصرف طبقاتی در اقتصاد سرمایه‌داری» شکسته شود و بالتبع تقاضا نسبت به تمامی کالاها به حدی زیاد گردد که بازار هیچ‌گاه اشباع نشود و واردات به امری ضروری تبدیل شود. از سوی دیگر درگیری و مبارزه‌ی سیاسی با قطب‌های توسعه، موجب محروم کردن ایران از «تکنولوژی برتر» شده و در نتیجه، صادرات ملی نیز دارای ارزش افزوده‌ی معتناه نیست. پس محقق نشدن نظم طبقاتی در مصرف و فقدان ارزش افزوده در تولید، باعث شده تا توازن بین صادرات و واردات برقرار نگردد و تنزل مداوم ارزش پول ملی، به مانع بزرگی در برابر افزایش قدرت خرید مردم مبدل شود.

با توجه به عوامل فوق، «تولید» هیچ‌گاه به «قطب توسعه» در ایران تبدیل نشده و «توزیع» جایگزین آن شده است. این ناهنجاری در قبل از انقلاب به دلیل سیاست‌های نادرست شاه شکل گرفت؛ اما پس از انقلاب و با فراگیری شعارهای مکتبی، عدم تبعیت «نرخ کار» و دستمزد کارگر از «سود سرمایه» بود که موجب شد کالاها با قیمت بالایی تولید شوند و فعالیت تولیدی به صرفه نباشد و در نتیجه، سرمایه‌ها وارد بخش توزیع شدند. به همین دلیل تولید هیچ‌گاه نمی‌تواند پاسخگوی تقاضاها در کشور باشد؛ مخصوصاً با توجه به این که تقاضاها بر اساس الگوی مصرف طبقاتی شکل بگیرند و بر مبنای شعار عدالت تحریک شده باشند که در این صورت قهراً تورم به یک مسأله همیشگی در جامعه‌ی ایران تبدیل می‌شود.

👉 به نظر می‌رسد زمانی کنترل قیمت‌ها ممکن است که «رفاه» به سقفی خاص مقید شود؛ یعنی تکامل مادی و رفاه دائم التزاید، نباید مقصد و هدف نظام جمهوری اسلامی قرار گیرد. یکی از لوازم این روند، تغییر در جهت‌گیری بودجه‌های عمرانی است؛ باید بودجه‌های عمرانی در کشور نیز به نحو عادلانه توزیع شوند. یعنی باید شعار عدالت و تعمیم خدمات و توزیع رفاه به سرتاسر کشور پیگیری شود. البته

شیوهی آن تغییر می‌یابد تا خرج هزینه‌های رفاه ثروتمندان توسط خود آنها تامین شده و دولت از این رهگذر به ارائه‌ی خدمات به محرومین بپردازد. لذا به جای آن که حلّ چالش‌های زندگی در کلان شهرها و هزینه‌های آن بر دولت تحمیل شود، باید تمرکز جمعیت در کلان شهرها و سیل مهاجرت به آنها متوقف گردد. این کار باید از طریق سیاست‌هایی محقق شود که حدّ جمعیتی برای ساکنین شهرها معین می‌کند تا جمعیت به جای تمرکز در ده شهر بزرگ در صد شهر کوچک‌تر پراکنده گردد و هزینه‌های کلانی مانند مترو و مقابله با آلودگی هوا و ... از دوش دولت برداشته شده و زمینه برای صرف این هزینه‌ها در مناطق محروم فراهم شود.

در واقع مبنا قرار دادن رفاه در اداره‌ی جامعه، قهراً باعث ایجاد جاذبه‌ی مهاجرت به شهرهای بزرگ شده و وجود بیشترین و بهترین امکانات رفاهی در کلان شهرها، موجب سیل مهاجرت به شهرها و کاهش جمعیت روستایی به ۳۰ درصد از جمعیت کشور شده است. این روند در نگاه برون‌گرا به اقتصاد، امری ضروری است؛ زیرا پایتخت و کلان شهرها مرکز ارتباط اقتصادی با منطقه و بین الملل و جهان است و لذا سطحی از رفاه جهانی که موجب سرمایه‌گذاری توسط فعالان اقتصادی خارجی در آن باشد، لازم است.

اما از آنجا که مبنای اقتصاد مقاومتی، مقید کردن رفاه و قطع وابستگی اقتصادی به بیرون و نگاه درونی به اقتصاد و تکیه به ظرفیت‌های داخلی است، معکوس کردن این روند ضروری است.

البته خدماتی که دولت به مناطق محروم طی ۳۵ سال گذشته انجام داده و بر اساس توجه و سود اقتصادی شکل نگرفته است، مخالف روند معمول آن در جهان بوده است. یعنی خدمت به مردم و تعمیم رفاه به تمامی مناطق کشور در آن مدنظر قرار گرفته اما از سوی دیگر باعث شده تا طبقات مرفّه نیز از مواهب خدمات ارزان قیمت برخوردار شوند که این روند نیز باید معکوس شود. مثلاً لازم است تا شهرداری‌ها از ارائه‌ی خدمات شهری مجّانی به مناطق برخوردار خودداری کرده و ساکنین متمول آن، نیاز خود به خدمات شهری را از طریق پرداخت پول به بخش خصوصی برطرف کنند تا قیمت زمین و مسکن در مناطق برخوردار کاهش یافته و شهرداری‌ها نیز با هزینه‌ی صرفه‌جویی‌های حاصل از این طریق در مناطق محروم شهر بپردازند. بنابراین باید بدنبال تعمیم خدمات یکسان به تمامی نقاط کشور بود تا فاصله‌ی سطح رفاه تهران و سایر کلان شهرها نسبت به شهرهای کوچک و روستاها کاهش جدی پیدا کند؛ اما مهم آن است که بخش اعظم هزینه‌ی این کار به دوش دولت نباشد و قشر مرفّه در آن به طور جدی سهیم شوند. در غیر این

صورت و علی‌رغم هزینه‌های کلان برای رسیدگی به شهرهای کوچک و روستاها، همواره همان فاصله‌ی قبلی میان این نقاط با مراکز پول و سرمایه باقی خواهد بود. ولی تعیین سقف برای رفاه در کلان‌شهرها و مشارکت اقشار ثروتمند در تامین هزینه‌های خدماتی، باعث خواهد شد تا بودجه‌ی عمرانی دولت صرف مناطق محروم‌تر شده و «توزیع رفاه» به نحو گسترده‌تری محقق گردد.

اصلاحیه پیشنهادی:

۷- کاهش نرخ تورم از طریق تعیین سقف رفاه و تغییر جهت‌گیری بودجه عمرانی کشور به توزیع رفاه برای شهرهای کوچک و روستاها، به جای تامین هزینه‌های رفاه در کلان شهرها

۲. افزایش متوسط رشد سالانه بهره‌وری کلان اقتصادی به میزان ۳٪ در طول سال‌های برنامه

بهره‌وری کلان اقتصادی در نگاه متداول به معنای هماهنگی سرعت نرم‌افزارها با سرعت تحولات تکنولوژی است؛ یعنی نیروی انسانی به استانداردهای مربوط مدیریتی نزدیک شود. در واقع کارمند بخش خصوصی در قطب‌های توسعه نه تنها نمی‌تواند کمتر از ۸ ساعت کار کند بلکه متناسب با سخت‌افزارهای مربوطه، کارآمدی و کیفیت نیروی انسانی نیز باید ارتقاء یابد و با شدت روحی و علاقه‌ی افزون‌تری کار کند. گرچه در جهان سوم این مسأله دنبال می‌شود که کارگر و کارمند در تمامی ساعات، مشغول به کار باشد - و تأکید بر کوچک‌سازی دولت نیز به دلیل عدم بهره‌وری نیروی انسانی در بخش دولتی است - اما این تنها بیان کمی از بهره‌وری است و بهره‌وری در سطح کیفی و سپس در سطح توسعه‌ی مقیاس مهم‌تر از آن است.

این مهم در صورتی محقق می‌شود که انگیزش‌های اقتصادی به نحوی تحریک شود که کارمند و کارگر با عشق و لذت و انقطاع روحی به کار مشغول شود؛ چه از نظر طبقه‌بندی حقوق و مزایا و چه از نظر تأمین فضای ورزشی و تفریحی و... در محیط کار و چه از نظر مشارکت‌دادن او در بهینه‌ی گردش کار و تاثیر آن در حقوق و درآمد کارگر و کارمندی که پیشنهاداتی برای بهینه‌ی سیستم ارائه کرده است. به همین دلیل است که معروف شده: خانه‌ی اول یک شهروند ژاپنی، شرکتی است که در آن کار می‌کند و بر همین اساس

است که تقاضای شدیدی برای استخدام در برخی شرکت‌ها وجود دارد. زیرا شخص از حضور در این محیط کاری و امکانات آن و قدرت خریدی که ناشی از این شغل است، لذت می‌برد و این نوع از تحریک انگیزه نیز موجب کارآیی بیشتر او برای شرکت می‌شود.

پس به‌طور خلاصه، رشد بهره‌وری وابسته به تحول در نرم افزارهای مدیریتی اقتصاد سرمایه‌داری است که در گام اول آن، استاندارد کمی حجم کار کنترل شده و سپس به تحقق استاندارد کیفی کار مبادرت می‌شود و در پایان باید «سرعت، دقت و تاثیر» نیروی انسانی با ارتقای سطح کیفی سخت‌افزارها متناسب گردد. آنچه باعث تحقق این گام‌ها می‌شود، تحریک انگیزه‌ی مادی نیروی انسانی از طریق حقوق و مزایا و ارتقاء کیفیت محیط کار و مشارکت نیروی انسانی در بهینه‌ی سیستم است.

اما نگاه درونی به اقتصاد و تکیه به ظرفیت‌های داخلی نشان می‌دهد که بهره‌وری از انگیزه‌ی انقلابی و کار جهادی و فرهنگ ایثار و آخرت‌گرایی و شهادت‌طلبی نشأت می‌گیرد و لذا اولویت اول یک عنصر انقلابی، تأمین نیاز نظام اسلامی از طریق کار دولتی است. البته کار دولتی از معنای امروزی آن خارج شده و به سیستمی جهادی معنا می‌شود که در اوائل انقلاب در تمامی نهادهای انقلابی جریان یافته و بدون توجه به حقوق و مزایا، برآوردن نیازمندی‌های انقلاب را به عهده گرفته بود. پس بهره‌وری و نیروهای کارآمد در نگاه درونی، به خیلی از عناصر ایثارگر و شهادت‌طلب تعریف می‌شود که علی‌رغم خطرات مختلف حاضرند در بخش دولتی و برای تأمین نیازهای انقلاب مشغول به کار شوند و نه در بخش خصوصی.

البته باید توجه داشت که اگر نظام سرمایه‌داری با اتخاذ سیاست‌های جدید در تمامی بخش‌ها شکسته نشده و در تمامی سطوح به اقتصاد مقاومتی مقید نشود، آنگاه انگیزش‌های انقلابی و فعالیت‌های جهادی در جهت تأمین نیازهای قشر مرفه و سیاست‌های سرمایه‌سالار عمل خواهد کرد.

اصلاحیه پیشنهادی:

۸- افزایش متوسط رشد سالانه بهره‌وری کلان اقتصادی بر اساس مبنا قرار دادن فرهنگ ایثار در نیروی

انسانی برای تأمین نیازمندی‌های اقتصاد مقاومتی

۷. تحقق کامل هدفمندی یارانه‌ها در جهت افزایش تولید، اشتغال و بهره‌وری، کاهش شدت

انرژی و ارتقاء شاخص‌های عدالت اجتماعی

در نگاه متداول جهانی، قیمت‌ها بر اساس مکانیزم عرضه و تقاضا تعیین می‌شوند و یارانه‌ها به الگوی تولید اختصاص می‌یابد و در برخی کشورهای صنعتی، به بخش تامین اجتماعی نیز یارانه پرداخت می‌شود. بر این اساس برای تأمین دولت در جهت ارائه‌ی خدمات عمومی، منابع حاصل از هدفمندی یارانه‌ها باید به دست دولت سپرده شود. البته غیر از هزینه‌ی تأمین خدمات عمومی و هزینه‌ی استهلاک (در شبکه‌ی برق، آب، گاز و ...) امر دیگری نیز در روند متداول اداره‌ی کشورها مورد توجه قرار می‌گیرد که همانا هزینه‌ی توسعه و تغییر مقیاس در این خدمات است. یعنی بودجه‌های کلانی برای پژوهش‌های جدید نیاز است تا بر اساس دستاوردهای آن بتوان با روش‌های بهتر و سریعتر به تامین نیازمندی‌های عمومی پرداخت؛ زیرا ارتقاء این خدمات در اقتصاد جهانی توقف‌بردار نیست.

اما ناهنجاری در الگوی مصرف مردم ایران به دلیل غیرمقنن بودن مصرف و عدم تناسب آن به الگوی مصرف طبقاتی در نظام سرمایه‌داری است. از این رو چالش موجود بر اساس نگاه متداول، از طریق تحمیل فاصله طبقاتی در الگوی درآمد و مقنن کردن الگوی مصرف برطرف می‌شود. اما این امر در جامعه ایران بدلیل جریان روحیه‌ی «گستاخی انقلابی در مصرف» امکان‌پذیر نیست.

👉 راه برون رفت از الگوی مصرف غربی، تغییر در «الگوی تولید و الگوی توزیع غربی» است که این امر، هندسه اقتصاد مقاومتی را شکل می‌دهد. پس هنگامی که استراتژی توسعه در نظام اسلامی بر دستیابی به امنیت اقتصادی در مقابل تهدیدهای دشمنان مبتنی شد و رفاه به این مبنا مقید شد، آنگاه منابع حاصل از هدفمند کردن یارانه‌ها صرف الگوی تولید جدید خواهد شد تا اشتغال‌زایی بر اساس تکنولوژی متوسط و با تکیه بر تعاونی‌ها و بنگاه‌های غیرمتمرکز صورت گیرد.

البته باید توجه داشت که وضع مطلوب آن است که همانند سیره‌ی معصومین علیهم‌السلام بیت المال به صورت مساوی میان مردم توزیع شود اما این روند در شرایط کنونی امکان تحقق ندارد؛ زیرا در جوامع امروزی این امر بمثابه یکی از پذیرفته‌ی شده‌ها و هنجارهای مسلم اجتماعی در زندگی امروز است که: دولت‌ها بر خلاف گذشته، موظف به ارائه‌ی خدمات همه‌جانبه در تمامی شئون زندگی مردم از آموزش و

بهداشت تا حمل و نقل و سلامت و تغذیه و ... هستند. لذا در صورت تقسیم بیت المال در میان مردم، دولت در انجام وظایف فوق ناتوان خواهد شد و منبعی برای ارائه‌ی خدمات اجتماعی نخواهد داشت. پس تا زمانی که چنین تلقی و انتظاری از وظایف دولت وجود دارد، امکان عمل به سیره‌ی معصومین در این باره فراهم نخواهد شد.

پس باید در دوران گذار، منابع حاصل از هدف‌مندی در جهت تحقق اقتصاد مقاومتی و هزینه‌های ناشی از آن مصرف شود. گذشته از آن که در صورت رویکرد عدالت‌خواهانه و کاهش فاصله‌ی بین کلان‌شهرها و شهرهای کوچک و تعیین سقفی برای رفاه و کاهش انتظارات، آزادسازی قیمت‌ها تبعات بزرگی را که وضع موجود در پی داشته، پدید نخواهد آورد. یعنی همان‌طور که امروز و در سایه‌ی امنیت منحصر بفردی که بوسیله‌ی سیاست‌های دفاعی و امنیتی نظام و هوشیاری مردم بوجود آمده، انتظار و تقاضایی از طرف مردم ایران نسبت به سطح امنیت خارج از کشور وجود ندارد؛ در صورت حرکت به سمت اقتصاد مقاومتی و کاهش مصرف و پایین آمدن انتظارات و عدم تعیین قیمت‌ها بر اساس بازارهای بین‌المللی نیز، تقاضا و طلب عمومی نسبت به نحوه‌ی متداول زندگی اقتصادی در جهان و کالاهای مختلف کاهش خواهد یافت و آزادسازی قیمت‌ها اثر چندانی بر زندگی مردم نخواهد داشت.

در واقع آزادسازی قیمت‌ها و جلوگیری از قاچاق و امثال آن در صورتی به یک مسأله‌ی بزرگ برای نظام تبدیل می‌شود که قرار باشد الگوی تولید داخلی به الگوی تولید جهانی پیوند بخورد اما وقتی تصمیم بر این شد که بر اساس اقتصاد مقاومتی، هویت اقتصادی جدیدی در ایران بوجود بیاید و عزت و آبروی اقتصادی در میان مردم به توزیع رفاه (بجای رفاه دائم‌التزاید) تعریف شود؛ آنگاه تقاضای عمومی نسبت به سطوح رفاه منطقه‌ای و جهانی شکل نمی‌گیرد تا مسائل ناشی از آن، قابلیت طرح و بررسی بیابد.

پس پرداخت یارانه به کالاها و خدماتی همچون حامل‌های انرژی، نان، آب، برق، گاز و ... - همانند آنچه در دولت دهم انجام شد - دنبال نمی‌شود؛ زیرا این نحوه پرداخت، گرچه موجب کاهش مصرف در کوتاه مدت می‌شود اما با توجه به عدم تحقق الگوی مصرف طبقاتی در ایران انقلابی و وجود روحیه گستاخی انقلابی در مصرف، در درازمدت چنین نتیجه‌ای نخواهد داشت. بنابراین علاوه بر کنترل انتظارات مردم نسبت به الگوهای جدید در رفاه، منابع حاصل از هدف‌مندی باید در شکل یارانه‌ی ارزی، به اقتصاد مقاومتی اختصاص یابد تا تمامی عوامل تولید در آن با قیمتی ارزان تأمین شوند.

۹- تحقق کامل هدفمند سازی یارانه ها در جهت تامین هزینه‌های تحقق «اقتصاد مقاومتی» از قبیل تغییر در الگوی تولید، اشتغال‌زایی با تکیه بر تعاونی‌ها و بنگاه‌های غیر متمرکز و حرکت بسوی کاهش شدت مصرف انرژی بر اساس سیاست‌های تعمیم عدالت و کنترل رفاه

۱۶. تغییر ساختار بودجه براساس سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و نظام اداری

در نگاه متداول جهانی به اقتصاد، دولت‌ها دارای اموالی هستند که شامل بیت المال و منابع طبیعی و معادن و ... آن کشور است و ثروتی نیز در دست بخش خصوصی و مردم آن کشور است که در بانک‌ها تمرکز یافته است. علاوه بر این امور، سرمایه و منابع مالی سیالی در دنیا وجود دارد که اگر جذب اقتصادهای ملی شوند، در کشورهای میزبان به گردش در می‌آیند و قدرت اقتصادی آن کشورها را افزایش می‌دهند. پس در نظام سرمایه‌داری، امور مالی دارای سه رکن است: الف) سرمایه‌گذاری خارجی؛ ب) منابع و سرمایه‌های داخلی مربوط به دولت؛ ج) ثروت یک ملت اعم از مردم و بخش خصوصی که در بانک‌ها متمرکز می‌شود.

البته علی‌رغم انتخاب رؤسای بانک‌های مرکزی در کشورهای توسعه‌یافته از طریق بخش خصوصی، صاحب این منصب در کشورهای کم‌توسعه‌یافته توسط دولت انتخاب می‌شود. اما در هر دو صورت، دولت و سایر قوا، بودجه، بانک‌ها و ثروت مردم، بخش خدماتی برای نظام سرمایه‌داری محسوب می‌شوند و در خدمت تولید و استراتژی صنعت و استراتژی تحقیقات و نیازهای بخش خصوصی قرار می‌گیرند. یعنی قوانین مجلس و برنامه‌ریزی دولت و ایجاد امنیت برای سرمایه‌گذاری توسط قوه قضائیه، بمثابة اهرمی عمل می‌کند که به سرمایه‌های سرمایه‌داران قدرت بیشتری می‌دهد و نظام موازنه‌ی قدرت را به نفع آنان رقم می‌زند.

بر این اساس است که اقتصادهای ملی بر مبنای مدل سه شکافه شکل می‌گیرند که متنبر اصلی در آن، «سرمایه‌گذاری و پسرانداز» است که با متنبر «بودجه و راندمان» در بخش دولتی ترکیب شده تا با ایجاد توازن در متنبر «صادرات و واردات»، ثروت ملی را توسعه دهد.

گرچه مدیریت بانک در کشورهای توسعه‌یافته با رأی‌گیری انجام می‌شود و بحث از آن باید در قالب چهار بازار انجام شود؛ اما از آن‌جا که در ایران رئیس بانک مرکزی و سایر بانک‌ها توسط دولت معین می‌شود، باید بحث از بانک‌ها را در حوزه‌ی بودجه و راندمان بررسی نمود. از سویی، بانک‌های مرکزی وقتی می‌توانند نقش خود را به درستی ایفا کنند که با سیاست‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و کمیته‌ی عمران سازمان ملل متحد هماهنگ شوند و از آنها تبعیت کنند و الا در مصاف با دیگر کشورها در زمینه‌ی حفظ و توسعه‌ی ثروت ملی عقب خواهند ماند. دولت‌ها نیز در بودجه‌ریزی خود باید در هماهنگی با سیاست‌های منطقه‌ای و فراملی عمل کنند؛ همان‌طور که بورس‌های کشورهای می‌توانند بدون هماهنگی با سرعت بورس‌های اصلی در جهان، حرکت خود را تنظیم کنند. این روند همان‌طور که در بحث‌های قبلی گذشت، حاصلی جز وابستگی به اقتصاد بین‌المللی و جهانی نخواهد داشت.

پس در نگاه متداول جهانی، بودجه و بانک مرکزی باید به عنوان تابعی از استراتژی توسعه عمل کنند و تجربه‌هایی همچون کره جنوبی و سنگاپور و برزیل نشان می‌دهد که دولت‌ها بودجه و بانک مرکزی را به نحوی مدیریت کرده‌اند که امکان ارائه‌ی خدمات به بخش خصوصی با سرعت بالا فراهم شود. اساساً ماموریت اصلی دولت‌ها در سیاست خارجی و داخلی بر همین مبنا شکل می‌گیرد. در سیاست خارجی باید برترین اقتصادها و پیشرفته‌ترین علوم و بهترین سرمایه‌گذاری‌ها را به فعالان اقتصادی در داخل پیوند دهند. در سیاست داخلی نیز، جغرافیای اقتصادی کشور را با جغرافیای اقتصادی منطقه و جهان هماهنگ کند. لذا وظیفه‌ی اصلی وزارت کشور در نگاه جهانی، پرداختن به امور سیاسی نیست بلکه باید زیرساخت‌ها و مکان‌یابی برای آن‌ها را به نحوی تنظیم کند که ارتباط اقتصادی با خارج روان‌تر شود. لذا امکاناتی از قبیل فرودگاه‌ها و پایانه‌های حمل و نقل و جاده و رسانه‌ها و آموزش عالی در صورتی تأمین می‌شوند که دارای توجیه و صرفه‌ی اقتصادی بوده و با برنامه‌های متوالی و متوازی که در جهت توسعه‌ی ثروت ملی طراحی شده‌اند، تناسب داشته باشد و رساندن کالاهای تولید شده به بازارهای هدف را تسهیل کند.

بنابراین منطقی بودن بودجه‌ی دولت در سنجش با استراتژی توسعه و تسهیل حرکت بخش خصوصی در کشورهای کمتر توسعه‌یافته معنا می‌شود که مغز متفکر این روند، سازمان برنامه و بودجه است. بانک مرکزی و نظام بانکی نیز باید بر اساس برنامه‌ریزی انجام شده، تسهیلات را تنها به موارد مشخص شده اعطاء کند. لذا اولویت پرداخت تسهیلات، مردم نیستند بلکه شرکت‌ها و سرمایه‌گذارانی هستند که توانایی راه‌اندازی صنعت مربوطه در آن کشور را دارا هستند. پس بودجه دولت و اعطاء تسهیلات بانکی به موضوعاتی اختصاص می‌یابد که موجب رشد بخش خصوصی در ارتباط قاعده‌مند با اقتصاد منطقه و جهان گردد. یعنی بانک مرکزی کشورهایی که حائز تکنولوژی و صنعت و سرمایه‌ی مورد نیاز داخل هستند، باید طرف رابطه‌ی عمیق و وثیق بانک مرکزی ایران قرار بگیرند و کشور وارد کننده، در هماهنگی کامل با بانک‌های مرکزی کشورهای صادر کننده باشد و الا در صورت فقدان ضمانت‌های دولتی و بانکی، سرمایه‌گذاری خارجی تحقق نخواهد یافت.

براین اساس جایگاه بودجه در نظام سرمایه‌داری روشن شد که بند ۱۴ و ۱۶ در پیش‌نویس سیاست‌ها به همین روند اشاره دارد و به دنبال توانمندسازی بخش خصوصی است. اما بخش اول بند ۱۰ به بخشی از امور مالی اشاره می‌کند که به بخش خصوصی مربوط می‌شود. یعنی بازارهای پول و سرمایه، جدا از الگوی تولید و استراتژی صنعت - که توضیح آن گذشت - قابل تحلیل نیست و در واقع بیانی کمی برای آنهاست. همان طور که بند ۱۲ به بُعد خارجی سیاست مذکور در بند ۱۰ تأکید می‌کند. اما بخش دوم در بند ۱۰ (تامین سرمایه در گردش کلیه فعالان اقتصادی و تامین مالی فعالیت‌های خرد و متوسط بوسیله نظام بانکی) مربوط به بخشی از امور مالی است که به بانک‌ها و رابطه‌ی آنها با تمامی فعالیت‌های اقتصادی مربوط می‌شود.

اما در نگاه درون‌زا، بودجه دولت و ثروت ملی که در بانک‌ها متمرکز شده نباید بر محور قدرت‌های اقتصادی منطقه و جهان طواف کند و با آنها هماهنگ گردد؛ زیرا وجود دشمن و مواجهه‌ی نظام اسلامی با آن، استقلال اقتصادی را به امری ضروری تبدیل کرده است. پس علاوه بر دفع تهدیدات اقتصادی دشمن، باید در بودجه به لوازم اقتصاد مقاومتی از جمله تامین نیازمندی‌های عمومی مردم، ثبات قیمت‌ها و تامین اشتغال و پرهیز از تفاخر و اسراف پرداخت. به این ترتیب، باید شیب فعلی در امور مالی و منابع دولتی - که بر اساس وابستگی شهرهای کوچک به کلان شهرها و وابستگی کلان شهرها به بانک مرکزی و وابستگی بانک مرکزی به سیاست‌های اقتصادی در جهان شکل گرفته - به تدریج معکوس شود تا نسبت منابع

متمرکز و منابع آزاد تغییر یابد. بنابراین باید بودجه لجستیکِ امور اساسی مانند کنترل رفاه و توزیع آن در سراسر کشور، کاهش فاصله‌ی طبقاتی میان کلان شهرها و شهرهای کوچک و... قرار گیرد؛ زیرا اساساً سیاست‌های مالی، انعکاس کمی برای سیاست‌های کیفی است.

اصلاحیه پیشنهادی:

۱۰- تغییر ساختار بودجه بر اساس سیاست عدالت محور در توزیع رفاه

۱۴. رعایت انضباط مالی و بودجه‌ای با اجرای بودجه عملیاتی احصاء، ثبت و تعیین سقف مجاز بدهی‌های دولت، دستگاه‌های اجرایی و شرکت‌های دولتی و کاهش آن به سقف مجاز در طول سال‌های برنامه

۱۵. تعیین تکلیف طرح‌های عمرانی نیمه تمام از طریق تکمیل و بهره‌برداری در حد منابع دولت واگذاری به بخش غیردولتی، مشارکت با بخش غیردولتی در ساخت و بهره‌برداری و حذف طرح در صورت غیرموجه بودن

روند متداول بودجه دولت و تسهیلات بانک‌ها موجب شده تا وزارت‌خانه‌های دولتی برای توجیه اقتصادی طرح‌های بخش خصوصی، منابع را در تصرف خود نگه دارند و قدرت عملکرد را از مردم سلب کنند.

بر اساس اقتصاد مقاومتی، طرح‌های عمرانی در استان‌ها نباید متوقف بر اجازه‌ی دولت و تخصیص بودجه از طرف مرکز باشد؛ تا از این طریق اختیارات و ثروت از تمرکز خارج شده و وابستگی استان‌ها به مرکز کاهش یابد. در نتیجه، اعطاء تسهیلات در جهت خودکفایی اقتصادی استان‌ها انجام می‌شود تا تامین نیازمندی‌های هر استان به صورت روان و در درون آن و توسط جوانان آن استان محقق شود و غلبه‌ی بافت شهری در کشور به بافت نیمه صنعتی - نیمه کشاورزی در شهرهای کوچک و روستاها تبدیل شود. در این

صورت جمعیت بیشتری به مناطق مستعد برای کشاورزی مهاجرت خواهد کرد و تمرکز در شهرها کاهش می‌یابد. البته از بین بردن تمرکز در شهرها و ارائه‌ی تسهیلات در جهت خودکفایی استان‌ها ابداً به معنای بازگشت به دوران کشاورزی سنتی نیست؛ بلکه نظام بانکی و بودجه‌ای کشور و جامعه‌ی تحقیقاتی آن، پشتوانه‌ای برای طراحی تکنولوژی‌های متوسط و غیر متمرکز قرار می‌گیرند تا فن‌آوری این نحوه‌ی جدید از زندگی تولید شود. بر این اساس، جهت‌گیری جدید شرکت‌های دانش‌بنیان نیز معین می‌شود.

اصلاحیه پیشنهادی:

۱۰- رعایت انضباط مالی و بودجه‌ای با رویکرد غیر متمرکز و اجرای بودجه‌ی عملیاتی بر اساس خودکفایی اقتصادی استانها و تعیین تکلیف بدهی‌های دولت با توجه به تغییر رویکردهای فوق

۱۰. توسعه نظام جامع تامین مالی و ابزارهای آن (بازار پول، بازار سرمایه و بیمه‌ها) با مشارکت اشخاص حقیقی و حقوقی داخلی و خارجی در جهت پاسخ به نیازهای سرمایه‌گذاری با ارتقای سهم موثر سرمایه، تامین سرمایه در گردش کلیه فعالان اقتصادی و تامین مالی فعالیت‌های خرد و متوسط بوسیله نظام بانکی


قوانین مجلس و برنامه‌ریزی دولت و ایجاد امنیت برای سرمایه‌گذاری توسط قوه‌ی قضائیه، بمثابه اهرمی عمل می‌کند که به سرمایه‌ی سرمایه‌داران قدرت بیشتری می‌دهد و نظام موازنه‌ی قدرت را به نفع آنان رقم می‌زند. این روند همان‌طور که در بحث‌های قبلی گذشت، حاصلی جز وابستگی اقتصاد ملی به اقتصاد بین‌المللی و جهانی نخواهد داشت.

حاکمیت بازار پول، بازار سرمایه و بازار کالا بر بازار کار، امری غیر انسانی است و لذا باید در تعیین قیمت‌ها به سوی توازن بازارها حرکت کرد که این مهم از طریق تعیین سبد کار در قبال سبد کالا میسر است.

اصلاحیه پیشنهادی:

۱۲- توسعه نظام جامع تامین مالی و ابزارهای آن با مشارکت اشخاص حقیقی و حقوقی داخلی در جهت کرامت انسانی با جایگزینی سبد کار در مقابل سبد کالا در مکانیزم قیمت‌ها و حذف قوانین انحصارات

۱۲. ایجاد انگیزه و شرائط برای جذب سرمایه ایرانیان خارج از کشور و سرمایه‌گذاران خارجی و ورود مدیریت شده خارجیان به بورس ایران و ایجاد پیمان‌های پولی دو و چندجانبه با کشورهای طرف تجارت

نگاه برون‌زا به سرمایه از طریق سرمایه‌گذاری منطقه‌ای، بین‌المللی و جهانی در چارچوب WTO، اجلاس‌ها و مجامع منطقه‌ای می‌باشد که به دنبال مزیت نسبی فرصت‌ها، منابع و معادن ارزان قیمت و نیروی انسانی ارزان بوده و هدایت سرمایه‌ها از طریق بورس، ثروت‌های ملی کشورها را ساماندهی می‌نماید.  این امر موجب شکل‌گیری استعمار پنهان می‌شود.

اصلاحیه پیشنهادی:

۱۳- مهندسی اقتصاد مقاومتی با تکیه بر ثروت ملی، جذب سرمایه ایرانیان خارج از کشور و ارتباط با ثروت همسایگان و ثروت امت اسلامی حول استکبار ستیزی

۱۳. اعمال نظارت کامل و فراگیر بانک مرکزی بر بازار و موسسات پولی، بانکی و اعتباری در جهت شفافیت و سلامت و کاهش نسبت مطالبات غیرجاری به تسهیلات

بانک مرکزی کشورهایی که حائز تکنولوژی و صنعت و سرمایه‌ی مورد نیاز داخل هستند، باید طرف رابطه‌ی عمیق و وثیق بانک مرکزی ایران قرار بگیرند و کشور در حال توسعه، در هماهنگی کامل با بانک‌های مرکزی کشورهای توسعه یافته باشد و الا در صورت فقدان ضمانت‌های دولتی و بانکی، سرمایه‌گذاری خارجی تحقق نخواهد یافت.

براین اساس، نظارت‌های موجود در سیستم بانکی، باعث جلوگیری از حرکت‌های مردمی و جهادی در اقتصاد شده و فعالیت‌های اقتصادی را در راستای توسعه‌ی برون‌زا سامان می‌دهد. این روند متداول بودجه دولت و تسهیلات بانک‌ها موجب شده تا وزارت‌خانه‌های دولتی این منابع را در تصرف خود نگه دارند و قدرت عملکرد را از مردم سلب کنند که این بند به همین نکته اشاره دارد. در نتیجه استان‌ها ناگزیرند تا با استناد به وجود امکانات مختلف در استانهای ثروتمندتر و با تکیه بر شعار عدالت، نیازمندی‌های خود را در قالب پیشنهاد طرح‌های عمرانی از دولت طلب کنند. اما دولت هیچ‌گاه قادر به برآوردن این حجم غیر قابل توقف از درخواست‌های منطقه‌ای و استانی و تأمین هزینه‌های آن نشده و نخواهد شد؛ مگر اینکه سرمایه‌گذاری خارجی در استانها را دنبال کند که این رویکرد نیز اثری جز وابستگی به بیرون نخواهد داشت.

اما در نگاه درون‌زا، تامین نیازمندی‌های هر استان، شغل جوانان آن استان را رقم خواهد زد و دیگر از دولت انتظار نمی‌رود تا برای ایجاد شغل به دنبال سرمایه‌گذار داخلی و خارجی باشد؛ اما به شرطی که تسهیلات و بودجه و منابع و سایر امکانات و اختیارات به استان‌ها سپرده شود تا مردم خود به تامین نیازمندی‌های اولیه خود به ارائه‌ی تسهیلات برای تأمین تکنولوژی‌های مورد نیاز نظام بپردازد.

اصلاحیه پیشنهادی:

۱۴- کاهش وابستگی به ارزهای مرجع از طریق کاهش شدید واردات در فعالیت‌های خارجی بانک مرکزی و تغییر رویکرد داخلی آن در اعطاء تسهیلات بر اساس:

الف) حمایت از خودکفایی اقتصادی استان‌ها بصورت غیرمتمرکز

ب) توجه به تعاونی‌ها و بنگاه‌های خرد و متوسط

۱۸. اصلاح نظام مالیاتی بر اساس بندهای ۱۰، ۹ و ۱۷ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و بند ۶ سیاست‌های کلی تشویق سرمایه‌گذاری

نظام مالیاتی در نگاه برون محور، معطوف به اخذ مالیات از بنگاه‌های بزرگ است و شکل‌گیری این بنگاه‌ها بدون سودهای کلان حاصل از تولید کالاهای رقابتی و ارزش افزوده ممکن نخواهد شد.

👉 بر اساس رویکرد غیرمتمرکز و گرایش به تکنولوژی متوسط و خودکفایی اقتصادی در استان‌ها، بنگاه‌های متوسط و خرد جایگزین بنگاه‌های بزرگ می‌شوند و لذا اصلاح نظام مالیاتی باید با توجه به این سیاست صورت گیرد. همچنان به دلیل کاسته شدن از حجم دولت و کاهش حقوق‌ها بر اساس فرهنگ اینثار در مشاغل دولتی، هزینه‌های جاری به شدت کاهش می‌یابد که از این طریق می‌توان بستر معافیت مالیاتی را برای کارمندان و کارگران فراهم نمود.

اصلاحیه پیشنهادی:

۱۵- اصلاح نظام مالیاتی با توجه به شکل‌گیری بنگاه‌های متوسط و خرد و معافیت کارمندان و کارگران از مالیات بر اساس تغییر در الگوی درآمد

۱۱. ارتقای کیفی و کمی نظام جامع صنعت بیمه و ابزارهای آن (بازارهای رقابتی، بیمه اتکایی و...) با مشارکت اشخاص حقیقی و حقوقی داخلی و خارجی به منظور توسعه سرمایه‌گذاری و ثبات و پایداری و کاهش خطرپذیری فعالیت‌های تجاری و اقتصادی کشور

صنعت بیمه در نگاه برون محور، مکمل قوانین انحصارات در نظام سرمایه‌داری است.

۱۶- ارتقای کیفی و کمی نظام جامع صنعت بیمه و ابرازهای آن در راستای جایگزینی سبد کار در مقابل سبد کالا برای حفظ کرامت نیروی انسانی

مقام معظم رهبری؛ ۱۳۹۴/۱/۱:

در نگاه کلان به اقتصاد کشورمان دو جور نگاه به رونق اقتصادی و پیشرفت اقتصاد وجود دارد:

یک نگاه می‌گوید که ما پیشرفت اقتصاد را باید از ظرفیت‌های درون کشور و درون مردم تأمین بکنیم.... [یعنی]

«اقتصاد درون‌زا»؛ اقتصادی که مایه‌ی خود و ماده‌ی خود را از درون کشور و از امکانات کشور و از توانایی‌های مردم خودمان به دست می‌آورد.

نگاه دوم به اقتصاد کشور نگاه به پیشرفت اقتصاد با استفاده از «کمک بیرون از مرزها» است؛ می‌گوید سیاست

خارجی‌مان را تغییر دهیم تا اقتصاد ما درست شود، با فلان مستکبر کنار بیاییم تا اقتصاد رونق پیدا کند، تحمیل

قدرت‌های مستکبر را در بخش‌های گوناگون و مسائل گوناگون بپذیریم تا اقتصادمان رونق پیدا کند.

امروز شرایط کشور به ما نشان داده است که این نگاه دوم یک نگاه کاملاً غلط و عقیم و بی‌فایده است.

اصلاحیه پیشنهادی بر اساس اقتصاد درون‌زا	نگاه برون محور به اقتصاد و موانع تحقق آن	سیاست‌های مصوب کمیسیون خاص برنامه ششم	کد سیاست
<p>- رشد اقتصادی شتابان و پایدار با رویکرد استقلال اقتصادی بگونه ای که اقتصاد کشور از بحران و روزمرگی خارج شود.</p> <p>🔹 به جای محوریت «تولید ثروت» در اقتصاد، با مقید کردن رفاه‌دائم التزاید، «استقلال اقتصادی» به عنوان محور اقتصاد قرار می‌گیرد. لذا ضمن تایید «ارتباط» با اقتصاد منطقه و بین‌المللی، «وابستگی» به اقتصاد جهانی نفی می‌شود.</p>	<p>رشد اقتصادی پایدار وابسته به رشد تولید ناخالص ملی است و دستیابی به آن تنها از طریق سرمایه‌گذاری‌های کلان خارجی (از سوی کشورهای تولید کننده تکنولوژی برتر) میسر است که این امر بدون پیوند خوردن اقتصاد ملی به اقتصاد منطقه ای و بین‌المللی ممکن نیست. البته علاوه بر ضرورت افزایش کیفیت تولید بوسیله مکانیزه شدن آن، باید قیمت کالاها نیز در رقابت، مناسب باشد که یکی از عوامل رقابت پذیری، ارزان بودن دستمزد کارگر است.</p> <p>🔹 لذا بحث سرمایه‌گذاری‌های کلان به علت وجود شرایط تحریم منتفی است و وجود تورم ۳۵ ساله در ایران و شعار عدالت، کاهش دستمزد کارگر را نیز غیر ممکن می‌سازد.</p>	<p>۱۰. رشد اقتصادی شتابان و پایدار بگونه‌ای که حداقل، متوسط رشد سالانه ۸٪ در طول برنامه محقق شود.</p>	۱
<p>- افزایش تولید ملی کالای متوسط و با دوام و خدمات متناسب با تامین نیازهای بازار داخلی و زمینه‌سازی برای صدور این کالاها به منطقه آسیای جنوب غربی و کشورهای غیرمتعهد در برنامه‌های بعدی</p> <p>🔹 چون اولین گام در نگاه درون‌زا، دستیابی به استقلال اقتصادی توسط فعالیت «عموم مردم» است و نه تولید ثروت توسط «بخش خصوصی» در معنای تخصصی آن (کارتل‌ها و ترانست‌ها). گرچه بعد از ثبات در تامین نیازهای داخلی، صادرات کالاهای مبتنی بر تکنولوژی متوسط به آسیای جنوب غربی و امریکای لاتین نیز دنبال خواهد شد.</p>	<p>افزایش تولید ملی کالا، باید باعث رشد تولید ناخالص ملی شود که این امر بدون تکنولوژی برتر امکان ندارد. به عبارت دیگر باید تولید صنعتی و مکانیزه باشد تا باعث ارزش افزوده بالایی شود. بنابراین باید بخش صنعت، کشاورزی و خدمات با کمک مالی صندوق توسعه ملی، تکنولوژی برتر را از کشورهای توسعه یافته خریداری نمایند تا بوسیله آن قدرت رقابت کالای ملی و خدمات متناسب با آن در سطح منطقه و جهان را افزایش داد تا صادرات غیرنفتی از واردات پیشی گیرد.</p> <p>🔹 اما اولاً به علت وجود شرایط تحریم، امکان خرید تکنولوژی برتر وجود ندارد.</p> <p>ثانیاً دستیابی تکنولوژی برتر بدون وابستگی دائمی سیاسی، فرهنگی و اقتصادی به قطب‌های توسعه جهانی ممکن نیست.</p>	<p>۱۱. افزایش تولید ملی کالا و خدمات متناسب با بازار داخلی، منطقه آسیای جنوب غربی و جهان و بهبود مستمر تراز تجاری غیرنفتی</p> <p>۱۲. واریز سالانه حداقل ۳۰٪ از منابع حاصل از صادرات نفت و گاز و میعانات گازی و فرآورده‌های نفتی به صندوق توسعه ملی و افزایش ۳ واحد درصد به آن و استقلال مدیریت حساب‌های صندوق توسعه ملی از تکالیف بودجه‌ای</p>	۲
<p>بند ۱۷ سیاست‌های مصوب کمیسیون به بند ۴ سیاست‌های پیشنهادی جدید ملحق می‌شود.</p>			

اصلاحیه پیشنهادی بر اساس اقتصاد درون‌زا	نگاه برون محور به اقتصاد و موانع تحقق آن	سیاست‌های مصوب کمیسیون خاص برنامه ششم	کد سیاست
<p>صرف درآمدهای نفت و گاز برای هزینه‌های استقلال اقتصادی، تغییر استراتژی تکنولوژی و الگوی تولید جدید</p>	<p>«تحول در نظام درآمدی» بوسیله افزایش تولید ناخالص ملی از طریق سیاست‌های بند ۲ صورت می‌گیرد تا مالیات حاصله از ارزش افزوده صنعتی شدن تولید، کشاورزی و خدمات، هزینه‌های دولت را تامین کند و در نتیجه وابستگی هزینه‌های جاری دولت به درآمدهای نفت و گاز قطع شود.</p> <p>به این ترتیب، موانعی که در بند ۲ بیان شد در این بند نیز وجود دارد.</p>	<p>۴. قطع وابستگی هزینه‌های جاری دولت به درآمدهای نفت و گاز تا پایان برنامه با ایجاد تحول در نظام درآمدی و هزینه‌های دولت</p>	۳
<p>– ایجاد شبکه اقتصادی یکپارچه و مستقل در کشور از طریق: الف) احیای نقش بخش دولتی در صنایع مادر بر اساس الگوی درآمد انقلابی (ایثارگرانه) در جهت تامین نیازمندی‌های اساسی اقتصادی نظام ب) فعال‌سازی بخش تعاونی برای تامین اشتغال بر اساس تکنولوژی متوسط ج) ورود بخش خصوصی به عرصه تامین رفاه عمومی از طریق بومی سازی تکنولوژی مرتبط با آن</p> <p>بخشهای اصلی و فرعی که تشکیل دهنده شبکه‌ی اقتصادی کشور خواهند بود، باید دقیقاً معین شوند؛ زیرا زمینه‌سازی نظام اسلامی برای قدرت گرفتن بخش خصوصی و سلطه‌ی سرمایه‌داران بر سرنوشت کشور بر خلاف احکام حکومتی دین مبین است. در رویکرد درون‌زا، باید یک شبکه‌ی مقاومتی و مستقل برای اقتصاد ایجاد شده و توسعه یابد و بخش دولتی و تعاونی نقش اصلی را در آن داشته باشند؛ بشرطی که الگوی درآمد در «بخش دولتی» بر اساس روحیه ایثار، جهاد و انگیزه‌های انقلابی شکل گیرد و تامین اشتغال توسط «بخش تعاونی» از طریق تکنولوژی غیر متمرکز متوسط انجام شود. مشارکت «بخش خصوصی یا شرکت‌های بزرگ» و بهره‌گیری از ظرفیتهای آن نیز به جای صادرات و واردات کالا بر مبنای رفاه دائم التزاید، به بومی‌سازی تکنولوژی موجود در کشور برای رفاه عمومی معطوف گردد.</p>	<p>در نگاه برون‌محور، نقش اصلی در ایجاد شبکه‌ی اقتصادی یکپارچه در کشور به عهده‌ی بخش خصوصی است. لذا مقصود از «نهادهای عمومی غیر دولتی»، بخش خصوصی است و «ایفای نقش ملی و فراملی» نیز به معنای دستیابی به ارزش افزوده از طریق راه اندازی صنایع با تکنولوژی برتر در داخل و خارج و رقابت با رقبای منطقه‌ای و بین‌المللی است.</p> <p>اما این امر مساوی با تعیین اقتصاد به عنوان هدف جامعه و تبعیت محض از توصیه‌های اقتصاد جهانی و WTO و پذیرش تقسیم کار بین‌المللی است.</p>	<p>۶. توسعه پیوندهای اقتصادی و تجاری متقابل و شبکه‌ای کشور و تبدیل شدن به قطب تجاری و ترانزیتی در چهارچوب بند ۱۰ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی</p> <p>۹. مشارکت و بهره‌گیری مناسب از ظرفیت نهادهای عمومی غیردولتی با ایفای نقش ملی و فراملی آن‌ها در تحقق اقتصاد مقاومتی</p>	۴

اصلاحیه پیشنهادی بر اساس اقتصاد درون‌زا	نگاه برون محور به اقتصاد و موانع تحقق آن	سیاست‌های مصوب کمیسیون خاص برنامه ششم	کد سیاست
<p>– بهبود مستمر فضای کسب و کار با اولویت بخش تعاونی از طریق استفاده از تکنولوژی متوسط، در جهت تامین نیازهای داخلی</p> <p>🔗 در بند ۴ سیاست‌های پیشنهادی جدید توضیح داده شد.</p>	<p>تحقق این بند در نگاه برون‌محور، نیازمند پیوند سرعت چرخه تولید ملی با سرعت اقتصاد جهانی، صدور کارخانجات و صنایع بومی شده در هر کشور به کشورهای هدف و ایجاد ساز و کار برای تبادل نیروی کار با کشورهای خارجی است.</p>	<p>۸. بهبود مستمر فضای کسب و کار و کسب حداقل جایگاه سوم منطقه با تقویت ساختار رقابتی و رقابت‌پذیری بازارها</p>	۵
<p>– افزایش قدرت خرید مردم از طریق تغییر در بافت واردات براساس کنترل رفاه و کاهش وابستگی مصرف عمومی به تکنولوژی برتر</p> <p>🔗 باید به جای ارتقاء سطح رفاه، آن را کنترل کرد و کالاهای مبتنی بر تکنولوژی برتر را از مصرف عمومی خارج نمود تا با کاهش انتظارات و تغییر در بافت واردات، تورم در جامعه‌ی ایران تقلیل یابد و کفای صادرات نسبت به واردات سنگین‌تر گردد. در این صورت، کاهش مداوم ارزش پول ملی متوقف شده و بالتبع قدرت خرید مردم افزایش خواهد یافت.</p> <p>– کاهش نرخ تورم از طریق تعیین سقف رفاه و تغییر جهت‌گیری بودجه عمرانی کشور بر اساس توزیع رفاه برای شهرهای کوچک و روستاها، به جای تامین هزینه‌های رفاه در کلان شهرها</p> <p>🔗 برای حفظ نگاه عدالت محور در برخورد با ملت ایران، باید حدّ و سقفی برای «رفاه» قائل شد تا تکامل مادی و رفاه دائم‌التزاید به هدف و مقصد نظام جمهوری اسلامی تبدیل نشود. یکی از لوازم این مهم، تغییر جهت‌گیری در بودجه‌های عمرانی کشور است تا دولت از بار هزینه‌های سنگین «رفاه در کلان‌شهرها» رها شده و قادر به توزیع سطح رفاه موجود برای شهرهای کوچک و روستاها شود.</p>	<p>فقدان ارزش افزوده در صادرات ملی به دلیل ناتوانی در تولید کالا در سطح تکنولوژی برتر، ناشی از تفاوت مبنایی اقتصاد مقاومتی با اقتصاد سرمایه‌داری در اصول است. در واقع تعمیم الگوی مصرف غربی با شعار عدالت، موجب عدم توازن بین صادرات و واردات شده و کاهش مداوم ارزش پول ملی را رقم زده است که در این صورت، «افزایش قدرت خرید مردم» ممکن نخواهد بود.</p> <p>در اقتصاد جهانی، «تورم بالا» یک پدیده غیر معمول و ناشی از بحران‌های مقطعی در تاریخ است؛ نه وضعیتی همیشگی و پایدار در جامعه! البته تورم کم، امری طبیعی محسوب می شود که ناشی از تغییرات در طول زمان است.</p> <p>🔗 اما تورم در ایران به وصفی دائمی برای نظام اقتصادی تبدیل شده است؛ زیرا الگوی مصرف طبقاتی که به دلیل اعتقاد به عدالت در نظام جمهوری اسلامی شکسته شده، باعث ناهنجاری در مکانیزم عرضه و تقاضا و فزونی همیشگی تقاضا نسبت به عرضه شده است. از سوی دیگر، عدم تبعیت نرخ کار از سود سرمایه در اقتصاد ایران، موجب افزایش قیمت تمام شده‌ی کالاها و به صرفه نبودن فعالیت تولیدی در کشور شده و لذا «توزیع»، قطب توسعه در اقتصاد ایران شده است. پس نگاه برون‌گرا ناتوان از تحلیل این چالش در جامعه ایران و حل آن است.</p>	<p>4. افزایش قدرت خرید مردم و کاهش نرخ تورم به تک رقمی</p>	۶ و ۷

اصلاحیه پیشنهادی بر اساس اقتصاد درونزا	نگاه برون محور به اقتصاد و موانع تحقق آن	سیاست‌های مصوب کمیسیون خاص برنامه ششم	کد سیاست
<p>– افزایش متوسط رشد سالانه بهره‌وری کلان اقتصادی بر اساس مبنا قراردادن فرهنگ ایثار در نیروی انسانی برای تامین نیازمندی‌های اقتصاد مقاومتی</p> <p>👉 نگاه درونی به ظرفیت‌های داخلی نشان می‌دهد که بالاترین کارآمدی کمی و کیفی در نیروی انسانی، ناشی از عناصر شهادت‌طلب و ایثارگر است که حاضرند بر اساس انگیزش‌های انقلابی به تامین نیازهای نظام اقتصادی در عرصه‌های مختلف بپردازند.</p>	<p>رشد بهره‌وری وابسته به تحول در نرم افزارهای مدیریتی اقتصاد سرمایه داری است که در گام اول آن، استاندارد کمی حجم کار کنترل شده و سپس به تحقق استاندارد کیفی کار مبادرت می‌شود و در پایان باید «سرعت، دقت و تاثیر» نیروی انسانی با ارتقای سطح کیفی سخت افزارها متناسب گردد.</p> <p>👉 آنچه باعث تحقق این گام‌ها می‌شود، تحریک انگیزه‌ی مادی نیروی انسانی از طریق حقوق و مزایا و ارتقاء کیفیت محیط کار است.</p>	<p>۶. افزایش متوسط رشد سالانه بهره‌وری کلان اقتصادی به میزان ۳٪ در طول سال‌های برنامه</p>	۸
<p>– تحقق کامل هدف‌مندی‌سازی یارانه‌ها در جهت تامین هزینه‌های تحقق «اقتصاد مقاومتی» از قبیل تغییر در الگوی تولید، اشتغال‌زایی با تکیه بر تعاونی‌ها و بنگاه‌های غیر متمرکز و حرکت به سوی کاهش شدت مصرف انرژی بر اساس سیاست‌های تعمیم عدالت و کنترل رفاه</p> <p>👉 راه برون رفت از الگوی مصرف غربی، تغییر در «الگوی تولید و الگوی توزیع غربی» است که این امر، هندسه اقتصاد مقاومتی را شکل می‌دهد.</p>	<p>در نگاه متداول جهانی، قیمت‌ها بر اساس مکانیزم عرضه و تقاضا تعیین می‌شوند و یارانه‌ها به الگوی تولید اختصاص می‌یابد و در برخی کشورهای صنعتی، به بخش تامین اجتماعی نیز یارانه پرداخت می‌شود. اما ناهنجاری در الگوی مصرف مردم ایران به دلیل غیرمقنن بودن مصرف و عدم تناسب آن با الگوی مصرف طبقاتی در نظام سرمایه داری است. از این رو چالش موجود بر اساس نگاه متداول، از طریق تحمیل فاصله طبقاتی در الگوی درآمد و مقنن کردن الگوی مصرف برطرف می‌شود.</p> <p>👉 اما این امر در جامعه ایران به دلیل جریان روحیه‌ی «گستاخی انقلابی در مصرف» امکان پذیر نیست.</p>	<p>۷. تحقق کامل هدف‌مندی‌سازی یارانه‌ها در جهت افزایش تولید، اشتغال و بهره‌وری، کاهش شدت انرژی و ارتقاء شاخص‌های عدالت اجتماعی</p>	۹

اصلاحیه پیشنهادی بر اساس اقتصاد درون‌زا	نگاه برون محور به اقتصاد و موانع تحقق آن	سیاست‌های مصوب کمیسیون خاص برنامه ششم	کد سیاست
<p>– تغییر ساختار بودجه بر اساس سیاست عدالت محور در توزیع رفاه</p> <p>➤ علاوه بر دفع تهدیدات اقتصادی دشمن، باید در بودجه به لوازم اقتصاد مقاومتی از جمله تامین نیازمندی‌های عمومی مردم، ثبات قیمت‌ها و تامین اشتغال و پرهیز از تفاخر و اسراف پرداخت. یعنی شیب فعلی در امور مالی و منابع دولتی – که بر اساس وابستگی شهرهای کوچک به کلان شهرها و وابستگی کلان شهرها به بانک مرکزی و وابستگی بانک مرکزی به سیاست‌های اقتصادی در جهان شکل گرفته – باید به تدریج معکوس شود. بنابراین بودجه باید لجستیک امور اساسی مانند کنترل رفاه و توزیع آن در سراسر کشور، کاهش فاصله‌ی طبقاتی میان کلان شهرها و شهرهای کوچک و ... قرار گیرد.</p>	<p>در اقتصاد رایج بودجه، بانک‌ها، دولت و سایر قوا بخش خدماتی برای اقتصاد سرمایه‌داری محسوب می‌شوند و در خدمت تولید و استراتژی توسعه قرار می‌گیرند. منطقی بودن بودجه‌ی دولت‌ها، بعهد‌ی سازمان برنامه و بودجه است و بانک مرکزی و نظام بانکی نیز باید بر اساس برنامه‌ریزی‌های انجام شده، منابع کشور و تسهیلات و وام‌ها را تنها در چارچوب نقشه طراحی شده برای توسعه کشور اعطاء کنند.</p> <p>➤ در واقع بودجه دولت و اعطاء تسهیلات بانکی به موضوعاتی اختصاص می‌یابد که موجب رشد بخش خصوصی (نه بخش مردمی) در ارتباط قاعده‌مند با اقتصاد منطقه و جهان گردد.</p>	<p>۱۶. تغییر ساختار بودجه بر اساس سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و نظام اداری</p>	۱۰
<p>– رعایت انضباط مالی و بودجه‌ای با رویکرد غیرمتمرکز و اجرای بودجه‌ی عملیاتی بر اساس خودکفایی اقتصادی استان‌ها و تعیین تکلیف بدهی‌های دولت و طرح‌های عمرانی نیمه تمام با توجه به تغییر رویکردهای فوق</p> <p>➤ طرح‌های عمرانی در استان‌ها نباید متوقف بر اجازه‌ی دولت و تخصیص بودجه از طرف مرکز باشد تا از این طریق اختیارات و ثروت از تمرکز خارج شده و وابستگی استان‌ها به مرکز کاهش یابد. در نتیجه، اعطاء تسهیلات در جهت خودکفایی اقتصادی استان‌ها انجام می‌شود تا تامین نیازمندی‌های هر استان به صورت روان و در درون آن و توسط جوانان آن استان محقق شود و غلبه‌ی بافت شهری در کشور به بافت نیمه صنعتی – نیمه کشاورزی در شهرهای کوچک و روستاها تبدیل شود. در این صورت جمعیت بیشتری به مناطق مستعد برای کشاورزی مهاجرت کرده و تمرکز در شهرها کاهش می‌یابد.</p>	<p>در بند ۱۰ توضیح داده شد.</p>	<p>۱۴. رعایت انضباط مالی و بودجه‌ای با اجرای بودجه عملیاتی احصاء، ثبت و تعیین سقف مجاز بدهی‌های دولت، دستگاه‌های اجرایی و شرکت‌های دولتی و کاهش آن به سقف مجاز در طول سال‌های برنامه</p> <p>۱۵. تعیین تکلیف طرح‌های عمرانی نیمه تمام از طریق تکمیل و بهره‌برداری در حد منابع دولت واگذاری به بخش غیر دولتی، مشارکت با بخش غیر دولتی در ساخت و بهره‌برداری و حذف طرح در صورت غیرموجه بودن</p>	۱۱

اصلاحیه پیشنهادی بر اساس اقتصاد درون‌زا	نگاه برون محور به اقتصاد و موانع تحقق آن	سیاست‌های مصوب کمیسیون خاص برنامه ششم	کد سیاست
<p>– توسعه نظام جامع تامین مالی و ابزارهای آن با مشارکت اشخاص حقیقی و حقوقی داخلی در جهت کرامت انسانی با جایگزینی سبد کار در مقابل سبد کالا در مکانیزم قیمت‌ها و حذف قوانین انحصارات</p> <p>حاکمیت بازار پول، بازار سرمایه و بازار کالا بر بازار کار، امری غیر انسانی است و لذا باید در تعیین قیمت‌ها به سوی توازن بازارها حرکت کرد که این مهم از طریق جایگزینی سبد کار در قبال سبد کالا میسر است.</p>	<p>قوانین مجلس و برنامه‌ریزی دولت و ایجاد امنیت برای سرمایه‌گذاری توسط قوه قضائیه، بمثابه اهرمی عمل می‌کند که به سرمایه‌ی سرمایه‌داران قدرت بیشتری می‌دهد و نظام موازنه‌ی قدرت را به نفع آنان رقم می‌زند.</p> <p>این روند همان‌طور که در بحث‌های قبلی گذشت، حاصلی جز وابستگی اقتصاد ملی به اقتصاد بین‌المللی و جهانی نخواهد داشت.</p>	<p>۱۰. توسعه نظام جامع تامین مالی و ابزارهای آن (بازار پول، بازار سرمایه و بیمه‌ها) با مشارکت اشخاص حقیقی و حقوقی داخلی و خارجی در جهت پاسخ به نیازهای سرمایه‌گذاری با ارتقای سهم موثر سرمایه، تامین سرمایه در گردش کلیه فعالان اقتصادی و تامین مالی فعالیت‌های خرد و متوسط بوسیله نظام بانکی</p>	۱۲
<p>– مهندسی اقتصاد مقاومتی با تکیه بر ثروت ملی، جذب سرمایه ایرانیان خارج از کشور</p> <p>و ارتباط با ثروت همسایگان و ثروت امت اسلامی حول استکبار ستی</p>	<p>نگاه برون‌زا به سرمایه از طریق سرمایه‌گذاری منطقه‌ای، بین‌المللی و جهانی در چارچوب WTO، اجلاس‌ها و مجامع منطقه‌ای می‌باشد که به دنبال مزیت نسبی فرصت‌ها، منابع و معادن ارزان قیمت و نیروی انسانی ارزان بوده و هدایت سرمایه‌ها از طریق بورس، ثروت‌های ملی کشورها را ساماندهی می‌نماید.</p> <p>این امر موجب شکل‌گیری استعمار پنهان می‌شود.</p>	<p>۱۲. ایجاد انگیزه و شرایط برای جذب سرمایه ایرانیان خارج از کشور و سرمایه‌گذاران خارجی و ورود مدیریت‌شده خارجی‌ان به بورس ایران و ایجاد پیمانهای پولی دو و چندجانبه با کشورهای طرف تجارت</p>	۱۳

اصلاحیه پیشنهادی بر اساس اقتصاد درونزا	نگاه برون محور به اقتصاد و موانع تحقق آن	سیاست‌های مصوب کمیسیون خاص برنامه ششم	کد سیاست
<p>– کاهش وابستگی به ارزهای مرجع از طریق کاهش شدید واردات در فعالیت‌های خارجی بانک مرکزی و تغییر رویکرد داخلی آن در اعطاء تسهیلات بر اساس:</p> <p>الف) حمایت از خودکفایی اقتصادی استان‌ها به صورت غیرمتمرکز</p> <p>ب) توجه به تعاونی‌ها و بنگاه‌های خرد و متوسط</p> <p>ج) تأمین نیازمندی‌های «سیاسی، رسانه‌ای، امنیتی و دفاعی» اقتدار نظام اسلامی در عرصه‌ی تکنولوژی برتر</p> <p>تأمین نیازمندی‌های هر استان، اشتغال جوانان آن استان را رقم خواهد زد و دیگر از دولت انتظار نمی‌رود تا برای ایجاد شغل به دنبال سرمایه‌گذار داخلی و خارجی باشد؛ اما به شرطی که تسهیلات و بودجه و منابع و سایر امکانات هر استان به آن‌ها سپرده شود تا مردم، خود به تأمین نیازمندی‌های اولیه‌شان بپردازند که برای این مهم، استفاده از تکنولوژی متوسط نیز کفایت خواهد کرد. لذا باید بانک مرکزی تنها به ارائه ی تسهیلات برای تأمین تکنولوژی‌های مورد نیاز «اقتدار» نظام بپردازد تا نظارت‌های موجود در سیستم بانکی، باعث جلوگیری از حرکت‌های مردمی و جهادی در اقتصاد استان‌ها نشود. البته این امر باعث تحولی جدی در برنامه‌ریزی‌های متداول خواهد شد.</p>	<p>بانک مرکزی کشورهایی که حائز تکنولوژی، صنعت و سرمایه ی مورد نیاز داخل هستند، باید طرف رابطه‌ی عمیق و وثیق بانک مرکزی ایران قرار بگیرند و کشور در حال توسعه، در هماهنگی کامل با بانک‌های مرکزی کشورهای توسعه یافته باشد و الا در صورت فقدان ضمانت‌های دولتی و بانکی، سرمایه‌گذاری خارجی تحقق نخواهد یافت.</p>	<p>۱۴. اعمال نظارت کامل و فراگیر بانک مرکزی بر بازار و موسسات پولی، بانکی و اعتباری در جهت شفافیت و سلامت و کاهش نسبت مطالبات غیرجاری به تسهیلات</p>	۱۴
<p>– اصلاح نظام مالیاتی با توجه به شکل‌گیری بنگاه‌های متوسط و خرد و معافیت کارمندان و کارگران از مالیات بر اساس تغییر در الگوی درآمد</p> <p>بر اساس رویکرد غیرمتمرکز و گرایش به تکنولوژی متوسط و خودکفایی اقتصادی در استان‌ها، بنگاه‌های متوسط و خرد جایگزین بنگاه‌های بزرگ می‌شوند و لذا اصلاح نظام مالیاتی باید با توجه به این سیاست صورت گیرد. همچنان به دلیل کاسته شدن از حجم دولت و کاهش حقوق‌ها بر اساس فرهنگ ایثار در مشاغل دولتی، هزینه‌های جاری به شدت کاهش می‌یابد که از این طریق می‌توان بستر معافیت مالیاتی را برای کارمندان و کارگران فراهم نمود.</p>	<p>نظام مالیاتی در نگاه برون محور، معطوف به اخذ مالیات از بنگاه‌های بزرگ است و شکل‌گیری این بنگاه‌ها بدون سودهای کلان حاصل از تولید کالاهای رقابتی و ارزش افزوده ممکن نخواهد شد.</p>	<p>۱۵. اصلاح نظام مالیاتی بر اساس بندهای ۱۰، ۹ و ۱۷ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و بند ۶ سیاست‌های کلی تشویق سرمایه‌گذاری</p>	۱۵

اصلاحیه پیشنهادی بر اساس اقتصاد درونزا	نگاه برون محور به اقتصاد و موانع تحقق آن	سیاست‌های مصوب کمیسیون خاص برنامه ششم	کد سیاست
<p>- ارتقای کیفی و کمی نظام جامع صنعت بیمه و ابرازهای آن در راستای جایگزینی سبد کار در مقابل سبد کالا برای حفظ کرامت نیروی انسانی</p>	<p>صنعت بیمه در نگاه برون محور، مکمل قوانین انحصارات در نظام سرمایه داری است.</p>	<p>۱۱. ارتقای کیفی و کمی نظام جامع صنعت بیمه و ابزارهای آن (بازارهای رقابتی، بیمه اتکایی و...) با مشارکت اشخاص حقیقی و حقوقی داخلی و خارجی به منظور توسعه سرمایه گذاری و ثبات و پایداری و کاهش خط پذیری فعالیت های تجاری و اقتصادی کشور</p>	<p>۱۶</p>